

Biannual Journal of Applied  
Counseling  
2014, 4 (1), 49-66  
Received: 25 Jan 2014  
Accepted: 25 Dec 2014

دو فصلنامه مشاوره کاربردی  
۶۶-۴۹، ۱(۴)، ۱۳۹۳  
دریافت: ۹۲/۱۱/۰۵  
پذیرش: ۹۳/۱۰/۰۷

رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی با رضایت و تعارض زناشویی  
در معلمان زن متأهل

### The Relationships Attachment Styles and Emotional Intelligence with Marital Satisfaction and Marital Conflict in Married Female Teachers

Gholamreza Rajabi  
Khalil Mousavian Nejad  
Manoochehr Taghi Pour

غلامرضا رجبی\*  
خلیل موسویان نژاد\*\*  
منوچهر تقی پور\*\*\*

#### Abstract

The purpose of this study was to determine the relationships among attachment styles (avoidant, secure and ambivalent), emotional intelligence, marital satisfaction and marital conflict in married female teachers of elementary schools in Ahvaz. In this descriptive-correlational study, the sample consisted of 250 married female teachers who were selected through multi-stage random sampling. To gather the data, the the Marital Satisfaction Scale (MSS), the Overt Hostility O'Leary-Porter Scale (OPS), the Emotional Intelligence Scale (EIS) and Adult the Attachment Scale (AAS) were used. In order to analyze the data, simple and multiple correlations were obtained using SPSS(version 16). There were significantly negative correlations between avoidant and ambivalent attachment styles and marital satisfaction as well as significantly positive correlations between avoidant and ambivalent attachment styles and marital conflict. The results showed that the ambivalent attachment style and emotional intelligence were respectively negative and positive predictors of marital satisfaction, while the ambivalent and avoidant attachment styles and emotional intelligence were positive and negative predictors of marital conflict.

**Keywords:** Attachment styles, Emotional Intelligence, Marital Satisfaction, Marital Conflict

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی با رضایت زناشویی و تعارض زناشویی معلمان زن متأهل مقطع ابتدایی مدارس دولتی شهر اهواز بود. شرکت کنندگان پژوهش ۲۵۰ نفر از این جمعیت به صورت بودند که به صورت نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به مقیاس‌های رضایت زناشویی (MSS)، خصومت آشکار اولری و پورتر (OPS)، دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (AAS) و هوش هیجانی (EIS) پاسخ دادند. نتایج نشان داد که سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با رضایت زناشویی و با تعارض زناشویی رابطه مثبت، و با هوش هیجانی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و با تعارض زناشویی رابطه منفی وجود دارد ( $p < 0/001$ ). تحلیل‌های رگرسیون نیز نشان داد که سبک دلبستگی دوسوگرا به صورت منفی و هوش هیجانی به صورت مثبت و سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی به صورت مثبت و هوش هیجانی به صورت منفی به ترتیب پیش بین‌های رضایت زناشویی و تعارض زناشویی هستند ( $p < 0/001$ ).

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های دلبستگی (اجتنابی، ایمن و دوسوگرا)، هوش هیجانی، رضایت زناشویی، تعارض زناشویی.

دکتری روانشناسی و دانشیار گروه مشاوره کاربردی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)،

Email:rajabireza@scu.ac.ir

\*\*دانش آموخته کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز

\*\*\*مری گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

### مقدمه

خانواده رکن اساسی جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. شکل گیری این نهاد مقدس ناشی از پیوند زناشویی بین زن و مرد است. رضایت فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی زن و مرد خواهد بود. هنگامی که فرد از این رابطه از سطح خشنودی مناسبی برخوردار باشد، زمینه ی رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه را فراهم خواهد کرد (عدالتی و ردوزان، ۲۰۱۰). سازه های روانشناختی متعددی از سوی روانشناسان و مشاوران خانواده در حوزه ی روابط زناشویی مورد بررسی قرار گرفته است که در پژوهش حاضر به برخی از آن ها پرداخته شده است. رضایت زناشویی<sup>۱</sup> یک ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی یا رابطه عاشقانه کنونی فرد است و می تواند بیانگر میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشنود بودن به واسطه بسیاری از عوامل مربوط به رابطه زناشویی باشد (احمدی، نبی پور، کیمیایی و افضل، ۲۰۱۰). اختلاف بین زوج ها حاصل تعارض زناشویی<sup>۲</sup> است، که برخلاف رضایت زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن ها، خودمحوری، اختلاف در خواسته ها، طرح های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است. درگیری و تعارض در روابط زن و شوهر به خاطر تصمیم گیری های مشترکی که اتخاذ می کنند امری طبیعی است. شدت تعارض می تواند در دامنه ای از تفاوت آشکار در نظارت زوج ها تا اختلاف های جدی در ارزش ها و آرزوها قرار گیرد (فرحبخش، ۱۳۸۳). تعارض بین اعضای خانواده به وحدت و یکپارچگی آن ضربه می زند و شدت تعارض موجب بروز نفاق، پرخاشگری، ستیزه جویی و سرانجام اضمحلال و زوال خانواده می گردد. کانون خانواده ای که بر اثر تعارض و نفاق و جدال بین زن و شوهر آشفته است آثار مخربی در حیات کودک، فرزندان و خانواده به جای می گذارد که در سال های آتی به صورت عصیان و سرکشی از مقررات اجتماعی بروز می کند (کیوچینگ، ۱۹۹۶). با افزایش تعارض در ارتباط های زوجی ناسازگاری افزایش می یابد و نارضایتی بیشتری حاصل می شود و همین مشکلات از مقدمات طلاق و جدایی محسوب می شوند (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸).

محققان نشان دادند که تأثیرات منفی تعارض (خشم، نفرت، ناراحتی و ترس) در تعامل های زوج ها، با خشونت و درگیری مرتبط است (بوک والا، سوپین و زدانیوک، ۲۰۰۵). این ارتباط های مخرب یا تعامل های منفی بین زوج ها منجر به کاهش رضایت از رابطه و افزایش احتمال طلاق می شوند (آماتو و هامن-ماریوت، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، عاملی که منجر به افزایش رضایت زناشویی می شود، دل بستگی<sup>۳</sup> و پیوند عاطفی بین زوج ها است. بررسی لوپز، ریگز، پالارد و هوک (۲۰۱۱) نشان داد که بین سبک های دل بستگی اجتنابی و اضطرابی با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد. پژوهش باتزر و کمپیل (۲۰۰۸) حاکی از این بود که بین سبک دل بستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی دار و بین سبک های دل بستگی دوسوگرا و اجتنابی با رضایت زناشویی رابطه منفی معنی دار وجود دارد. مطالعات بلو،

- 
1. marital satisfaction
  2. marital conflict
  3. attachment

براندو، براون و راگسدل (۲۰۰۸) و لمنز، بایس، هین، ایسلر و دمیتنار (۲۰۰۷) نشان دهنده‌ی این امر است که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. کریستینا، فیلیپ هاوانگ، برژیتا و ویکبرگ (۲۰۰۶) دریافتند که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار و بین سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی و رضایت زناشویی رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. نتایج تحقیقات حافظی و جامعی‌نژاد (۱۳۸۹) و مردانی، حموله و حیدری (۱۳۸۹) مبین این امر است که بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار و سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا و رضایت زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. کوباک و هنز (۱۹۹۱) و بارت، تایلر، وارثینگتون و فورسیت (۲۰۰۶) در بررسی‌های خود دریافتند که سبک دلبستگی ایمن با سازگاری زناشویی بهتر و تعارض کمتر، ارتباط صمیمانه میان همسران و تنظیم هیجانی بهینه همراه است. پژوهش بشارت (۲۰۰۳) نیز نشان داد که زوج‌هایی که دارای دلبستگی ایمن همسو وابستگی، اعتماد، تعهد و رضایت زناشویی بیشتری دارند و زوج‌های دارای دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا مشکلات بیشتری در روابط زناشویی دارند. بررسی فینی (۲۰۰۲) مبین این امر است که نزدیک‌جویی شدید افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا آشکارا با خصیصه فاصله‌گزینی از سوی افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی در تعارض است. و افراد دوسوگرا در هنگام تعارض، افراد مقابل را مورد توهین و تحقیر قرار می‌دهند، در حالی که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در هنگام بروز تعارض، حمایت‌کننده و کمتر طرد‌کننده هستند و به شنودگانی قابل، تبدیل خواهند شد. کمپل، سیمپسون، بلدری و کشی (۲۰۰۵) و کرامر (۲۰۰۲) دریافتند که افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی تعارض زناشویی بیشتری نسبت به افراد دلبسته ایمن دارند. تحقیق سیمپسون، روهلز و فیلیپس (۱۹۹۶) نیز نشان داد که دلبستگی ایمن ارتباط بهتر، درک بیشتر و پرخاشگری کمتر را در هنگام بروز تعارض در روابط رومان‌تیک پیش‌بینی می‌کند. مطالعه‌ی خسروی، بلیاد، ناهیدپور و آزادی (۱۳۹۰) نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و تعارض زناشویی رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین، میزان تعارض زناشویی در زوج‌هایی که سبک دلبستگی هر دوی آن‌ها ایمن می‌باشد، کمتر است.

تحقیقات نشان داده‌اند که هوش هیجانی<sup>۱</sup>، (آگاهی از هیجان‌ها و چگونگی اثرگذاری این آگاهی در روابط بین فردی) در زندگی زناشویی مؤثر است (لوسین، ۲۰۰۶). محققان بر این باورند که توانایی درک و پذیرش افکار، احساس‌ها و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی با احساس رضایت مندی بیشتری همراه است. از این رو مردان و زنانی که سطح بالایی از رضایت‌مندی و صمیمیت را در رابطه با ازدواج خود گزارش می‌کنند در پیش‌بینی احساس‌ها و باورهای شریک زندگی خود بسیار دقیق هستند و ارزش‌ها و باورهای مشابهی درباره میزان نزدیکی و صمیمیت بین خود حفظ می‌کنند (صادقی، ۱۳۸۰). موسوی و ایروانی (۲۰۱۱) نشان دادند که مؤلفه‌های بی‌ثباتی هیجانی<sup>۲</sup> و بازگشت هیجانی<sup>۳</sup> از هوش هیجانی با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند. کوچک انتظار، نورآینی و قنبری‌پناه (۲۰۱۱) و لوالیکار، کالکارنی و

1. emotional intelligence  
2. emotional instability  
3. return emotional

جاگتاپ (۲۰۱۰) نشان دادند که بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. کارن و تامارن (۲۰۱۰) نشان دادند که مؤلفه‌های هوش هیجانی (همدلی، آگاهی هیجانی، تنظیم هیجانی و بیان هیجانی) در میزان رضامندی زناشویی زنان و مردان موثرند. بتول و خالد (۲۰۰۹) دریافتند که مؤلفه‌های خوش‌بینی، همدلی، بیانگری هیجانی، خودآگاهی هیجانی و کنترل تکانه از هوش هیجانی نقش مهمی در روابط زناشویی دارند. عبداللهی، کافی و شاه‌قلیان (۱۳۹۰) مشخص ساختند که هوش هیجانی با رضایت و سازگاری زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری دارد. دوکانه‌ای‌فرد، بهبودی و خیاط‌خامنه (۱۳۸۹) نشان دادند که مؤلفه‌های روابط بین فردی، روابط درون فردی، سازگاری، کنترل تکانه و خلق عمومی هوش هیجانی در میزان رضامندی زناشویی زنان موثرند. نجم (۲۰۰۵) بیان کرد که افراد با هوش هیجانی بالا رضایت زناشویی بیشتری دارند، و نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و هوش هیجانی رابطه وجود دارد. کامل عباسی (۱۳۹۰) دریافت که بین سبک دلبستگی ایمن با رضامندی زناشویی رابطه مثبت معنادار و بین سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا با رضامندی زناشویی رابطه منفی معناداری و بین سبک دلبستگی ایمن و هوش هیجانی و مؤلفه‌های درون فردی، سازش‌پذیری و خلق عمومی رابطه مثبت معنادار و بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن رابطه منفی معناداری دیده شد. براکت، وارنر و بوسکو (۲۰۰۵) و هولی (۲۰۰۶) مشخص ساختند که زوج‌هایی با هوش هیجانی پایین تعارض زناشویی بیشتری دارند. مکتبی، داودی و کرد زنگنه (۱۳۸۵)، صلاحیان، صادقی، بهرامی و شریفی (۱۳۸۹)، طالب نیری (۱۳۸۶)، امینی (۱۳۸۷) و قلیلی رنای (۱۳۸۴) دریافتند زوج‌های دارای تحصیلات بیشتر، در ابعاد هوش هیجانی موفقیت بیشتری را نشان می‌دهند و در نتیجه تعارض زناشویی کمتری را نیز تجربه می‌کنند. غباری‌بناب و حدادی کوهسار (۲۰۱۱) مشاهده کردند که هوش هیجانی با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و با سبک دلبستگی دوسوگرا رابطه منفی وجود دارد. حدادی کوهسار (۲۰۱۱) دریافت که بین سبک دلبستگی ایمن با توجه<sup>۱</sup>، تمایز<sup>۲</sup> و بازسازی<sup>۳</sup> از مؤلفه‌های هوش هیجانی رابطه مستقیم و بین سبک‌های دلبستگی نایمن-اجتنابی و دوسوگرا با هر سه مؤلفه مذکور رابطه معکوس وجود دارد.

با توجه به اهمیت تعارضات و رضایت زناشویی در افزایش کارکرد خانواده و سلامت جامعه و ضرورت مطالعه عوامل مرتبط با آن، یعنی، سبک‌های دلبستگی (استمرار سبک‌های دلبستگی از کودکی به بزرگسالی و نیز اهمیتی که تاثیر نوع سبک دلبستگی در ایجاد آرامش یا بروز هیجان‌ها و آشفتگی‌های روانی در زندگی زناشویی دارد) و هوش هیجانی به عنوان سازه‌هایی بنیادین و اثرگذار بر روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضایت‌بخش، این پژوهش می‌تواند اطلاعات مناسبی برای زوجها جهت غنی‌سازی رابطه زناشویی و کاهش تعارض‌های زناشویی‌شان و همچنین خانواده درمانگران برای افزایش کارکرد خانواده فراهم کند. این مطالعه در پی بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی (اجتنابی، ایمن و دوسوگرا) و

---

1. attention  
2. clarify  
3. repairment

هوش هیجانی با رضایت زناشویی و تعارض زناشویی معلمان زن متأهل با یک فرزند و بیشتر در مقطع ابتدایی مدارس دولتی شهر اهواز بود.

## روش

### جامعه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی دو متغیره و رگرسیون چندگانه (به روش گام به گام) است. جامعه‌ی آماری این پژوهش مشتمل بر کلیه معلمان زن متأهل با یک فرزند و بیشتر در مقطع ابتدایی مدارس دولتی شهر اهواز در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ بود. در آغاز از بین نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر اهواز، دو ناحیه (۱ و ۲) این شهر انتخاب شدند. هر کدام از نواحی فوق‌الذکر به ترتیب دارای ۳۰ و ۴۸ دبستان دولتی بودند. در هریک از این نواحی به ترتیب ۴۹۸ و ۶۶۶ معلم زن متأهل مشغول به تدریس بودند. از بین تعداد معلمان فوق‌الذکر، ۲۵۰ زن متأهل به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) برگزیده شدند. به این صورت که از میان ۳۰ دبستان ناحیه یک ۱۵ مدرسه و از میان ۴۸ دبستان ناحیه دو ۲۲ مدرسه انتخاب شدند.

### ابزار سنجش

به منظور جمع‌آوری اطلاعات پژوهش حاضر از چهار ابزار پژوهش به شرح ذیل استفاده گردید. **مقیاس رضایت زناشویی**<sup>۱</sup>: مقیاس فرم کوتاه رضایت زناشویی (محرابیان، ۲۰۰۵؛ رجبی، ۱۳۸۸) برای ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری رضایت زناشویی ساخته شده و دارای ۱۳ ماده است. شیوه نمره‌گذاری آن به صورت لیکرت در یک طیف ۵ گزینه‌ای (۱=کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم) درجه‌بندی می‌شود. حداقل و حداکثر نمره‌های این مقیاس به ترتیب بین ۱۳ تا ۶۵ محاسبه می‌شود. ماده‌های ۳، ۴، ۶، ۸ و ۱۱ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. رجبی (۱۳۸۸) با استفاده از تحلیل عاملی به روش چرخش مایل بر روی این مقیاس به دو عامل رضایت از ازدواج و نارضایتی از ازدواج، روایی همزمان آن را با پرسشنامه ۴۷ ماده‌ای انریچ ۰/۸۳ ( $p < 0.001$ )، برای مردان ۰/۸۴ و برای زنان ۰/۸۱ ( $p < 0.001$ ) و ضرایب آلفای کرونباخ کل نمونه را ۰/۹۰، زنان ۰/۹۱ و مردان ۰/۸۹ به دست آورد. محرابیان (۲۰۰۵) در یک تحلیل عاملی بر روی مقیاس فرم بلند رضایت زناشویی یک عامل با مقادیر بالاتر از ۱۲/۴ را به دست آورد. وی بازآزمایی آن را بعد از شش هفته ۰/۸۳ و همسانی درونی را ۰/۹۴ گزارش کرد. در این مطالعه، ضریب پایایی مقیاس رضایت زناشویی ۰/۸۹ و ضریب روایی آن با پرسشنامه ۱۰ سوالی شاخص کیفیت زناشویی<sup>۲</sup> فیشر و کورکوران (جانسون، وایت و بوث، ۱۹۸۶) ۰/۸۹ به دست آمدند.

1. marital satisfaction scale  
2. Quality of Marriage Index

**مقیاس خصومت آشکار اولری و پورتر<sup>۱</sup> (OPS).** این مقیاس که ادراک پدر و مادر را از میزان تعامل های مثبت و منفی آن ها نسبت به یکدیگر در حضور کودک می سنجد، توسط اولری و پورتر (۱۹۸۰) ساخته شده و دارای ۱۰ ماده است و ماده های آن به صورت لیکرت در یک طیف ۵ گزینه ای (۰=هرگز تا ۴=تقریباً همیشه) مرتب شده است. ۹ ماده ای اول به صورت مثبت و ماده ای آخر به طور معکوس نمره گذاری می شود. نمره بالاتر در این مقیاس نشانه تعارض کمتر است. ۱۰ ماده ای این مقیاس شامل تفاوت های انضباطی، شکایت از یکدیگر، سوء استفاده کلامی یا جسمی و ابراز عاطفه زوج ها به یکدیگر است. گریچ، سید و فینچام (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ و پایایی باز-آزمایی با (فاصله دو هفته) ۰/۹۶ را برای این مقیاس گزارش کرده اند. روایی این ابزار با مقیاس سازگاری زناشویی لاک-والاس<sup>۲</sup> (۱۹۵۹) در یک نمونه بالینی ۰/۶۳ (امری و اولری، ۱۹۸۲) بود. در این مطالعه، ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۷۸ به دست آمده است.

**مقیاس دلبستگی بزرگسالان<sup>۳</sup> (AAS)** این مقیاس شامل خود ارزیابی از مهارت های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به پیکره های دلبستگی نزدیک است که توسط کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ تهیه شد و شامل ۱۸ ماده و در یک طیف ۵ درجه ای (از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد =۱ تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد=۵) نمره گذاری می شود. کولینز و رید (۱۹۹۰)، برگرفته از پاکدامن، (۱۳۸۰) ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ و پاکدامن (۱۳۸۰) ضریب پایایی باز-آزمون ۰/۹۵ گزارش نمودند. در این مطالعه، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در سبک های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۵۱، ۰/۴۷ و ۰/۶۴ به دست آمد.

**مقیاس هوش هیجانی<sup>۴</sup> (EIS)** این مقیاس برای ارزیابی تفاوت های فردی در توانایی شناسایی و تنظیم عواطف خود و دیگران توسط ونگ و لو (۲۰۰۲) ساخته شده، که شامل ۱۶ ماده و در یک طیف ۵ گزینه ای (۱=کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم) درجه بندی می شود. نمره های بالا نشان دهنده هوش هیجانی بالا است. آلفای کرونباخ این مقیاس توسط ونگ و لو (۲۰۰۲) ۰/۹۴ و روایی آن با مقیاس صفت فراخلق سالوی، مایر، گلدمن، تاروی و پالافی (۱۹۹۵) ۰/۶۳ گزارش شده است. در مطالعه حاضر، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۷۹ به دست آمد.

### روند اجرای پژوهش

اجرای این پژوهش با اخذ مجوز از سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان در نواحی ۱ و ۲ این سازمان که به طور تصادفی برگزیده شدند، انجام گردید. شایان ذکر است با رعایت کلیه موازین اخلاقی

- 
1. Overt Hostility O'Leary-Porter Scale
  2. Lock- Wallace Marital Adjustment Scale
  3. Adult Attachment Scale
  4. Emotional Intelligence Scale

۵۵ رابطه ی سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی با رضایت و تعارض زناشویی در معلمان زن متأهل  
 پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات به صورت انفرادی و با دستورالعمل‌های خاص بر روی تک تک افراد  
 نمونه پژوهش اجرا گردید.

### یافته‌ها

برای بررسی داده‌ها از روش آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و برای بررسی فرضیه تحقیق از  
 آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری به روش گام به گام) استفاده شد.

### جدول ۱

میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	۲	۳	۴	۵	۶	میانگین (انحراف معیار)
دلبستگی اجتنابی	-.۰/۲۶*	۰/۴۴**	۰/۰۲	-۰/۱۲**	۰/۲۹**	۳/۰۲ (۱/۳۱)
دلبستگی ایمن	-	-۰/۰۰۳	۰/۱۳**	-۰/۰۲	-۰/۰۸	۳/۰۷ (۰/۵۱)
دلبستگی دوسوگرا	-	-	-۰/۰۸	-۰/۳۶**	۰/۳۷**	۲/۵۲ (۰/۶۵)
هوش هیجانی	-	-	-	۰/۳۰**	-۰/۲۱**	۳/۷۶ (۰/۴۳)
رضایت زناشویی	-	-	-	-	-۰/۵۰**	۳/۸۶ (۰/۶۸)
تعارض زناشویی	-	-	-	-	-	۱/۳۹ (۰/۶۱)

\* $P < 0.05$  \*\* $P < 0.01$

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین متغیرهای هوش هیجانی و رضایت زناشویی ( $p < 0.001$ )، بین  
 دلبستگی ایمن به صورت مثبت، بین دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی ( $p < 0.001$ )، بین  
 دلبستگی دوسوگرا و رضایت زناشویی ( $p < 0.001$ )، و بین رضایت زناشویی و تعارض زناشویی  
 ( $p < 0.001$ )، به صورت منفی رابطه دیده می‌شود، اما بین دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی  
 ( $p < 0.001$ )، رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین بین متغیرهای دلبستگی اجتنابی و تعارض زناشویی  
 ( $p < 0.001$ ) و دلبستگی دوسوگرا و تعارض زناشویی ( $p < 0.001$ )، رابطه مثبت و بین هوش هیجانی  
 و تعارض زناشویی رابطه‌ی منفی و معنادار دیده می‌شود ( $p < 0.001$ )، اما بین سبک دلبستگی  
 ایمن و تعارض زناشویی ( $p > 0.05$ )، رابطه معنادار دیده نشد.

جدول ۲ آماره‌های هم‌خطی<sup>۱</sup> متغیرهای پیش‌بین را نشان می‌دهد شاخص‌های هم‌خطی منجمله  
 ضریب تحمل<sup>۲</sup> و عامل تورم واریانس<sup>۳</sup> بیانگر این هستند که همبستگی بین یک متغیر پیش‌بین با سایر

1. colinearity statistics

2. tolerance coefficient

3. variance inflation factor

متغیرهای پیش‌بین پایین است. به عبارت دیگر، این مقادیر نشان می‌دهند که دو متغیر سبک دلبستگی دوسوگرا و هوش هیجانی به عنوان متغیرهای پیش‌بین همگی مناسب هستند (۰/۹۹).

### جدول ۲

نتایج ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین سبک‌های دلبستگی سه گانه و هوش هیجانی در پیش‌بینی متغیر ملاک رضایت زناشویی به روش گام به گام

متغیرهای پیش‌بین	B	$\beta$	t	P	R(R <sup>2</sup> ) F (P)	همخطی بودن VIF T	مراحل
عرض از مبدا سبک دوسوگرا	۴/۸۳	-	۳۰/۳۲	p < ۰/۰۰۱	۰/۳۷ (۰/۱۳) (P < ۰/۰۰۱)	- -	مرحله ۱
عرض از مبدا سبک دوسوگرا	-۰/۳۸	-۰/۳۶	-۶/۲۶	p < ۰/۰۰۱	۳۹/۲۵	۱ ۱	مرحله ۲
عرض از مبدا سبک دوسوگرا	۳/۱۳	-	۸/۲۶	p < ۰/۰۰۱	۰/۴۵ (۰/۲۱) (p < ۰/۰۰۱)	- -	مرحله ۳
هوش هیجانی	۰/۴۳	۰/۲۷	۴/۸۹	p < ۰/۰۰۱	۳۳/۳۸	۱ ۰/۹۹	مرحله ۴

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام متغیر ملاک رضایت زناشویی در جدول ۲ نشان می‌دهد که از بین سه سبک دلبستگی، فقط ترکیب خطی از یک سبک دلبستگی دوسوگرا و متغیر هوش هیجانی به عنوان متغیرهای پیش‌بین می‌توانند واریانس مربوط به متغیر رضایت زناشویی را تبیین کنند، یعنی، سبک دوسوگرا در مرحله اول ۱۳٪ واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند، و در مرحله دوم با اضافه شدن متغیر هوش هیجانی این مقدار به ۲۱٪ افزایش می‌یابد، که این متغیر به تنهایی ۸٪ این نقش را بر عهده دارد. نسبت‌های F به دست آمده از این تحلیل در مرحله اول در مورد سبک دلبستگی دوسوگرا برابر با ۳۹/۲۵ و در مرحله دوم با اضافه شدن متغیر هوش هیجانی به معادله رگرسیون برابر با ۳۳/۳۸ می‌باشد. ضریب  $\beta$  سبک دلبستگی دوسوگرا از رابطه منفی و ضریب  $\beta$  هوش هیجانی از رابطه مثبت خبر می‌دهد. بدین معنا که هر چقدر سبک دلبستگی دوسوگرا شرکت‌کننده‌های زن افزایش یابد از میزان رضایت زناشویی آن‌ها کاسته می‌شود ( $\beta = -۰/۳۶$ ). یافته دیگر این است که اگر یک واحد به هوش هیجانی زنان اضافه شود مقدار ۰/۲۷ به نمره آن‌ها در رضایت زناشویی افزوده می‌شود.

جدول ۳ آماره‌های همخطی متغیرهای پیش‌بین در مدل رگرسیون نشان می‌دهد. در این جدول شاخص‌های همخطی منجمله ضریب تحمل و عامل تورم واریانس بیانگر این هستند که همبستگی بین یک متغیر پیش‌بین با سایر متغیرهای پیش‌بین پایین است. به عبارت دیگر، این مقادیر نشان می‌دهند که



متغیرهای سبک دلبستگی دوسوگرا، اجتنابی و هوش هیجانی به عنوان متغیرهای پیش‌بین همگی مناسب هستند.

جدول ۳

نتایج ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بین سبک‌های دلبستگی سه گانه و هوش هیجانی در پیش‌بینی متغیر ملاک تعارض زناشویی به روش گام به گام

مراحل	متغیرهای پیش بین	B	$\beta$	t	P	$R(R^2)$ F (P)	همخطی بودن VIF T
مرحله ۱	عرض از مبدا	۰/۵۰	-	۳/۵۸	$p < ۰/۰۰۱$	۰/۳۷ (۰/۱۴)	- -
	سبک دو سوگرا	۰/۳۴	۰/۳۷	۴/۲۶	$p < ۰/۰۰۱$	۴۱/۳۱ ( $P < ۰/۰۰۱$ )	۱ ۱
مرحله ۲	عرض از مبدا	۱/۵۱	-	۴/۳۶	$p < ۰/۰۰۱$	۰/۴۲ (۰/۱۷)	- -
	سبک دوسوگرا	۰/۳۵	۰/۳۶	۶/۲۶	$p < ۰/۰۰۲$	۲۶/۳۹ ( $P < ۰/۰۰۱$ )	۱ ۰/۹۹
مرحله ۳	هوش هیجانی	-۰/۲۵	-۰/۱۸	-۳/۱۶	$p < ۰/۰۰۱$		۱ ۰/۹۹
	عرض از مبدا	۱/۱۸	-	۳/۲۸	$p < ۰/۰۰۱$		- -
	سبک دو سوگرا	۰/۲۶	۰/۲۸	۴/۴۵	$p < ۰/۰۰۱$	۰/۴۴ (۰/۲۰) ( $P < ۰/۰۰۱$ )	۱/۲۵ ۰/۷۹
	هوش هیجانی	-۰/۲۷	-۰/۱۹	-۳/۳۷	$p < ۰/۰۰۱$	۲۰/۵۴	۱/۰۱ ۰/۹۸
	سبک اجتنابی	۰/۱۸	۰/۱۷	۲/۷۳	$p < ۰/۰۰۷$		۱/۲۵ ۰/۷۹

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام متغیر ملاک تعارض زناشویی در جدول ۳ نشان می‌دهد، که از بین سه سبک دلبستگی، فقط ترکیب خطی از دو سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی و متغیر هوش هیجانی به عنوان متغیرهای پیش‌بین می‌توانند واریانس مربوط به متغیر تعارض زناشویی را تبیین کنند، یعنی، سبک دوسوگرا در مرحله ی اول ۱۴٪ از واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کند، در مرحله ی دوم با اضافه شدن متغیر هوش هیجانی این مقدار به ۱۷٪ افزایش می‌یابد، که این متغیر فقط ۳٪ و در مرحله سوم با اضافه شدن سبک دلبستگی اجتنابی به دو متغیر دیگر این مقدار به ۳٪ افزایش یافته است. نسبت های F به دست آمده از این تحلیل در مرحله ی اول در مورد سبک دلبستگی دوسوگرا برابر با ۴۱/۳۱، در مرحله ی دوم با اضافه شدن متغیر هوش هیجانی به معادله رگرسیون برابر با ۲۶/۳۹ و در مرحله ی سوم با اضافه شدن متغیر سبک دلبستگی اجتنابی برابر با ۲۰/۵۴ می‌باشند، که ضرایب سبک های دلبستگی دو سوگرا و اجتنابی به معنای رابطه ی مستقیم ( $\beta = ۰/۲۸$ ،  $\beta = ۰/۱۷$ ) و ضریب متغیر هوش هیجانی به معنای رابطه معکوس ( $\beta = -۰/۱۸$ ) با تعارض زناشویی است. بدین معنا که هر چقدر

سبک های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی زنان افزایش یابد بر میزان تعارض زناشویی آنها افزوده می‌شود. یافته دیگر این است که اگر یک واحد به هوش هیجانی زنان اضافه شود مقدار  $\beta = -0/18$  نمره آنها در تعارض زناشویی کاسته می‌شود.

### بحث

هدف مطالعه حاضر پیش‌بینی رضایت زناشویی و تعارض زناشویی به عنوان متغیرهای ملاک بر حسب متغیرهای پیش‌بین سبک‌های دلبستگی (اجتنابی، ایمن و دوسوگرا) و هوش هیجانی بر روی معلمان زن متاهل مدارس مقطع ابتدایی دولتی شهر اهواز بود. ضرایب همبستگی نشان دادند که بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. محققانی مانند لوپز و همکاران (۲۰۱۱)، باتزر و کمپیل (۲۰۰۸)، بلو و همکاران (۲۰۰۸)، لمنز و همکاران (۲۰۰۷)، کریستینا و همکاران (۲۰۰۶)، حافظی و جامعی‌نژاد (۱۳۸۹) و مردانی حموله و حیدری (۱۳۸۹) این دو یافته را تایید می‌کنند. بزرگسالان اجتنابی به دیگران اعتماد ندارند و همیشه یک فاصله‌ی هیجانی را از دیگران دارند و اغلب تنها و متخاصم هستند، از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران اجتناب می‌کنند (فینی و نولر، ۱۹۹۰). بنابر این، این گونه می‌توان تبیین کرد که آنها تنهایی را به داشتن شریک در زندگی ترجیح می‌دهند و اگر ازدواج کنند به خاطر ویژگی‌های ذکر شده نمی‌توان رضایت زناشویی خوبی را از آنها انتظار داشت. از سوی دیگر، افراد دوسوگرا می‌خواهند با دیگران آمیخته شوند اما ترس از طرد شدن دارند؛ بنابراین، این افراد خودشان را در زمینه‌های اجتماعی، صمیمانه و زناشویی، منفی ارزیابی می‌کنند که این امر باعث کاهش رضایت زناشویی می‌شود (میکالینسر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ کسیدی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴، برگرفته از کامل‌عباسی، ۱۳۹۰). از طرف دیگر، فرضیه مبتنی بر رابطه مثبت بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی تایید نشد. این یافته با پژوهش‌های لوپز و همکاران (۲۰۱۱)، باتزر و کمپیل (۲۰۰۸)، بلو و همکاران (۲۰۰۸)، لمنز و همکاران (۲۰۰۷)، کریستینا و همکاران (۲۰۰۶)، حافظی و جامعی‌نژاد (۱۳۸۹) و مردانی حموله و حیدری (۱۳۸۹) همخوانی نداشت. افراد با سبک دلبستگی ایمن، به دلیل برخورداری از توانایی‌هایی همچون ابراز صمیمیت، بیان عواطف مبتنی بر عشق، دوستی و پابندی و به کارگیری راهبردهای حل تعارض احساس رضایت بیشتری از زندگی مشترک دارند (پینز، ۲۰۰۵). شایان ذکر است با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص در جامعه، به نظر می‌رسد که ابزار حاضر نتوانسته است سازه مورد نظرش را به خوبی مورد اندازه‌گیری قرار دهد.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از این بود که بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد، که با یافته‌های موسوی و ایروانی (۲۰۱۱)، کوچک انتظار و همکاران (۲۰۱۱)، لوالیکار و همکاران (۲۰۱۰)، کارن و تامارن (۲۰۱۰)، بتول و خلید (۲۰۰۹)، عبداللهی و همکاران (۱۳۹۰) و دوگانه‌ای‌فرد و همکاران (۱۳۸۹) همسویی دارد. نتایج مؤید این مطلب است که زوج‌هایی که هوش هیجانی بالاتری دارند

1. Mikulincer  
2. Cassidy

احتمالا توانایی درک همسر خود را در شرایط تعارض و اختلاف نظر خواهند داشت و عواطف و احساس‌های خود را آسان‌تر بروز خواهند داد و مانع از طولانی شدن تعارض می‌شوند، در نتیجه روابط مطلوب‌تر و رضایت بیشتر و تعارض‌های کمتری را تجربه خواهند کرد. (شمسایی، نیکخواه و جدیدی، ۱۳۸۵).

یافته‌های رگرسیون در مطالعه‌ی حاضر نشان داد که سبک‌های دلبستگی (اجتنابی، ایمن و دوسوگرا) و هوش هیجانی پیش‌بین‌های رضایت زناشویی می‌باشند، یعنی، از سه سبک دلبستگی فقط سبک دلبستگی دوسوگرا به صورت منفی و هوش هیجانی به صورت مثبت پیش‌بین‌های رضایت زناشویی بودند، که با یافته‌های کامل‌عباسی (۱۳۹۰) و نجم (۲۰۰۵) همسو است. افراد دوسوگرا به شدت به دیگران وابسته و همواره در جستجوی نزدیکی فزاینده با آن‌ها هستند (کولینز و رید، ۱۹۹۰). آن‌ها در عین حال، همیشه نگران هستند که چرا همسران‌شان به اندازه‌ای که آن‌ها دوست دارند، خواهان نزدیک شدن نیستند. از آنجا که آن‌ها در مورد دوست داشتنی بودن و ارزشمندی خود دچار تردیدند، ناخودآگاه در تلاش اند تا احساس معتبر بودن و پذیرفته شدن را از دیگران دریافت کنند و زمانی که آن‌ها اضطراب را تجربه می‌کنند، عکس‌العمل‌هایشان به گونه‌ای است که به سرعت و به طور موقت تنش را کاهش می‌دهند اما در نهایت روابط صمیمانه آن‌ها آسیب می‌بیند (حسینی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، همسویی نتایج مؤید این مطلب است که زوج‌هایی که هوش هیجانی بالاتری دارند، احتمالا توانایی درک همسرانشان را در شرایط تعارض و اختلاف‌نظر خواهند داشت، در نتیجه روابط مطلوب‌تر، رضایت بیشتر و تعارض‌های کمتری را تجربه خواهند کرد (مهیر، کارسو و سالوی، ۲۰۰۰). و تبیین دیگر این که، افرادی که هوش هیجانی پایین تری دارند، در مواجهه با استرس‌های زندگی، سازگاری و انطباق‌پذیری ضعیف تری خواهند داشت و در نتیجه بیشتر به افسردگی، ناامیدی و دیگر پیامدهای منفی زندگی مبتلا می‌شوند (رجبی، قربانی و خجسته مهر، ۱۳۸۹). بدیهی است که نقص در مهارت‌های هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، آثار نامطلوبی بر زندگی مشترک آن‌ها می‌گذارد.

پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با تعارض زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. این یافته با تحقیقات بارنت و همکاران (۲۰۰۶)، کمپل و همکاران (۲۰۰۵)، فینی (۲۰۰۲)، بشارت (۲۰۰۳)، کرامر (۲۰۰۲)، سیمپسون و همکاران (۱۹۹۶)، کوباک و هازان (۱۹۹۱) و خسروی و همکاران (۱۳۹۰) همسوست. افراد اجتنابی به این دلیل که به برقراری روابط همدلانه گرایش چندانی ندارند از تماس بدنی لذت نمی‌برند، با راهبردهای حل مسئله آشنایی اندکی دارند و از تعهد کمتری در روابط بین‌فردی برخوردارند. از این رو، در زندگی زناشویی خود احساس ناامنی می‌کنند و با فاصله گرفتن از دیگران از احساس رضامندی بالایی برخوردار نیستند (سیمپسون، ۱۹۹۰). یکی از خصایص اصلی سبک‌های دوسوگرا این است که آن‌ها به جای پرداختن به نیازهای همسر، بر نگرانی‌های شخصی خودشان تمرکز می‌کنند و این هر دو مورد (بی توجهی به نیازهای همسر و تمرکز بر افکار پریشان‌کننده‌ی خود) می‌تواند منجر به تعارض‌های اساسی در روابط مشترک شود (فینی، ۲۰۰۲). از جمله یافته دیگر این

تحقیق این است که بین سبک دلبستگی ایمن و تعارض زناشویی رابطه‌ای معناداری دیده نشد. این یافته با تحقیقات بارنت و همکاران (۲۰۰۶)، کمپل و همکاران (۲۰۰۵)، فیینی (۲۰۰۲)، بشارت (۲۰۰۳)، کرامر (۲۰۰۲)، سیمپسون و همکاران (۱۹۹۶)، کوباک و هازان (۱۹۹۱) و خسروی و همکاران (۱۳۹۰) همخوان نیست؛ این طور می‌توان بیان کرد که افراد ایمن به دلیل باز بودن و ابراز هیجان‌های مثبت و منفی شان و همچنین استفاده مداوم از خودافشایی‌های تسهیل کننده، منجر به بیان احساسات و باورها از سوی طرف مقابل می‌شود. همچنین استفاده از مذاکره‌های منطقی و آرام در هنگام تعارض زوجین به شیوه‌های خاصی باعث ایجاد و گسترش روابط صمیمانه و لذت بخش بین زوجین می‌شود. این در حالی است که افراد نایمن رفتارهای تهدیدکننده همسر را «ردگیری تخریبی»<sup>۱</sup> (تفسیرهای منفی و یک‌سویه‌ی خود را به شکل زنجیروار ادامه دادن و در هر حلقه پیشرونده، قدرت تخریبی آن را بیشتر کردن) می‌کنند (فیینی، ۲۰۰۲). با توجه به اینکه این نوع سبک متضاد با ارزش‌های حاکم بر نهاد خانواده می‌باشد لذا زوجین از این نوع سبک در تعاملات با یکدیگر کمتر استفاده کرده‌اند.

یکی دیگر از نتایج پژوهش حاضر این است که بین هوش هیجانی و تعارض زناشویی رابطه منفی بود؛ این نتیجه با یافته‌های هالی (۲۰۰۶)، براکت و همکاران (۲۰۰۵)، مکتبی و همکاران (۱۳۸۵)، صلاحیان و همکاران (۱۳۸۹)، طالب‌نیری (۱۳۸۶)، امینی (۱۳۸۷) و قلیلی رنانی (۱۳۸۴) همسو است. زمانی که علت و چرایی هیجان‌های فرد برای خودش مشخص نباشد و نتواند هیجانی متناسب با موقعیت را از خود نشان دهد، حالت‌های اضطراب و نگرانی در او بالا بوده و خودآگاهی هیجانی ندارد. همچنین اگر فرد به خاطر احساس نگرانی، عدم امنیت و ترس از شرایط غیر قابل پیش‌بینی و یا ناآشنا نتواند واکنش‌های خود را متناسب با موقعیت تنظیم کند به احتمال زیاد زندگی زناشویی او از این مسائل رنگ گرفته و تأثیر می‌پذیرد (گیست و گیلبرت، ۱۹۹۶).

### نتیجه‌گیری

می‌توان گفت که افراد دوسوگرا عموماً وابسته، از نظر هیجانی بی‌ثبات، چسبناک همچون کنه<sup>۲</sup> و در روابط رمانتیک به شدت حسودند. بدیهی است افراط در این سبک دلبستگی به راحتی می‌تواند عشق و صمیمیت را به تزلزل بکشاند. از سوی دیگر، افراد با سبک دلبستگی اجتنابی یاد گرفته‌اند که به وقت تنش نباید بر حمایت دیگری (حتی) همسر متکی باشند و بر این باورند که بهترین شیوه جهت دسترسی به ایمنی خاطر، تکیه کردن بر شخص خودشان و فاصله گرفتن از پیکره‌ی دلبستگی‌شان است. این افراد به دلیل تمرکز بسیارشان بر استقلال طلبی، خوداتکایی<sup>۳</sup> و اهداف اعتبار دهنده به خود<sup>۴</sup> و متعاقباً بی‌توجهی به تقویت رابطه مشترک، پیامدهای منفی بسیاری متوجه روابط زناشویی آن‌ها می‌شود. و دیگر این که،

- 
1. destructive tracking
  2. clingy
  3. self- reliance
  4. self-validation goals

افرادی که هوش هیجانی پایین‌تری دارند، در مواجهه با استرس‌های زندگی، سازگاری و انطباق‌پذیری ضعیف‌تری خواهند داشت و در نتیجه بیشتر به افسردگی، ناامیدی و دیگر پیامدهای منفی زندگی مبتلا می‌شوند. بدیهی است که نقص در مهارت‌های هیجانی همسران در کنار عوامل متعدد دیگر، آثار نامطلوبی بر زندگی مشترک آن‌ها می‌گذارد. پژوهش حاضر همچون سایر بررسی‌ها با محدودیت مواجه بود. استفاده از پرسشنامه جهت جمع‌آوری داده‌ها و اجرای این پژوهش در جامعه زنان از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. استفاده از سایر ابزار پژوهش نظیر مصاحبه و به‌کارگیری زوجین و مقایسه نمره‌های آنان از پیشنهاد‌های پژوهش حاضر است.

### منابع

- امینی، فریماه (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی و خشونت‌های زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی رشته مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانان. مجله علوم روانشناختی، دوره چهل و هفتم، شماره نهم، صص. ۲۵-۳.
- حافظی، فریبا؛ جامعی‌نژاد، فرحناز. (۱۳۸۹). رابطه بین عشق، عاطفه مثبت، عاطفه منفی و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان شرکت ملی حفاری خوزستان. یافته‌های نو در روان‌شناسی، سال چهارم، شماره دهم، صص. ۴۱-۵۲.
- حسینی، بیتا (۱۳۸۹). زمینه زوج درمانی. تهران: انتشارات جنگل.
- خسروی، زهره؛ بلیاد، محمدرضا؛ ناهیدپور، فرزانه؛ آزادی، شهذخت (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرج. فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره سوم، صص. ۸۰-۶۱.
- دوکانه‌ای فرد، فریده؛ بهبودی، معصومه؛ خیاط‌خامنه، مریم (۱۳۸۹). بررسی سهم هر یک از مؤلفه‌های هوش هیجانی در پیش‌بینی میزان رضامندی زناشویی دبیران زن متأهل مقطع متوسطه در شهر ایلام. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، دوره دوم، شماره اول، صص. ۸۹-۶۱.
- رجبی، غلامرضا (۱۳۸۸). ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال پانزدهم، شماره چهارم، صص. ۳۵۸-۳۵۱.

رجبی؛ غلامرضا؛ قربانی، فردین؛ خجسته مهر (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ایدئولوژی‌های جنسیتی، نقش‌های زناشویی و هوش هیجانی با کیفیت زندگی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال اول، شماره ۱، صص. ۳۹-۵۳.

شمسایی، محمد مهدی؛ نیکخواه، حمیدرضا؛ جدیدی، محسن. (۱۳۸۵). نقش احساس هویت و هوش هیجانی در رضایت زناشویی. مجله روان‌شناسی کاربردی، سال اول، شماره دوم، صص. ۶۷-۵۷.

صادقی، سعید (۱۳۸۰). بررسی عوامل شخصیتی مؤثر در سازگاری زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران.

صلاحیان، افشین؛ صادقی، مسعود؛ بهرامی، فاطمه؛ شریفی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. مطالعات روان‌شناختی، دوره ششم، شماره دوم، صص. ۱-۱۷.

طالب نبیری، فائقه. (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی و تعارضات زناشویی با بهزیستی شخصی در کارمندان زن و مرد دفاتر اسناد رسمی کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور تهران مرکزی.

عبداللهی، افسانه؛ کافی، سید موسی؛ شاهقلیان، مهناز. (۱۳۹۰). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای با رضایت و همسازی زناشویی. روان‌شناسان ایرانی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، صص. ۲۸۷-۲۷۹.

فرحبخش، کریم. (۱۳۸۳). مقایسه‌ی میزان اثربخشی مشاوره زناشویی به شیوه شناختی الیس، واقعیت‌درمانی گلاسر و اختلاطی از آن دو در کاهش تعارضات زناشویی. پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

قلیلی رنای، زهره. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر شیوه‌های گفتگوی گفتگوی مؤثر و حل مسئله بر تعارضات زناشویی زوج‌های شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

کامل‌عباسی، امیررضا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی با رضامندی زناشویی در زنان و مردان شهرستان مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

مردانی حمله، مرجان؛ حیدری، هایده. (۱۳۸۹). ارتباط خوشبینی و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در کارکنان بیمارستان. فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره هشتم، شماره اول، صص. ۴۶-۵۲.

مکتبی، غلامحسین؛ داوودی، ایران؛ کرد زنگنه، کاظم. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ساده و چندگانه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی با رضایت زناشویی. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی.

Ahmadi, K., Nabipoor, S. M., Kimiaee, S. A., & Afzali, M. H. (2010). Effect of family problem-solving on marital satisfaction. *Journal of Applied Science*, 10(8), 682-687.

Amato, P. R., & Hohmann-Marriott, B. (2007). A comparison of high-and low- distress marriages that end in divorce. *Journal of Marriage and Family*, 62, 621-638.

Batool, S. S., & Khalid, R. (2009). Role of emotional intelligence in marital relationship. *Pakistan Journal Psychological Research*, 24(1, 2), 43-62.

Bello, R., Brandau, A., Brown, F., & Ragsdale, J. D. (2008). Attachment style, marital satisfaction, commitment, and communal strength effects on relational repair message interpretation among remarried. *Journal of Communication Quarterly*, 56 (1), 1-16.

Besharat, M. A. (2003). Relation of attachment style with marital conflict. *Journal of Psychology Republic*, 92(3), 13-40.

Bookwala, J., Sobin, J., & Zdaniuk, B. (2005). Gender and aggression in marital relationships: A life-span perspective. *Sex Roles*, 52, 506-797.

Bracett, M. A., Warner, R. M., & Bosco, J. S. (2005). Emotional intelligence and relationship quality among couples. *Personal Relationships*, 12, 197-212.

Burnette, J. L., Taylor, K. W., Worthington, E. L., & Forsyth, R. (2006). Attachment and trait forgivingness: The mediating role of angry rumination. *Journal of Counseling & Development*, 8, 312-320.

Butzer, B., & Campbell, L. (2008). Adult attachment, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A study of married couples. *Personal Relationships*, 15, 141-154.

Campbell, L., Simpson, J. A., Boldry, J., & Kashy, D. A. (2005). Perceptions of conflict and support in romantic relationships: The role

of attachment anxiety. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88 (3), 510-531.

Collins, N., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.

Cramer, D. (2002). Linking conflict management behaviors and relational satisfaction: The intervening role of conflict outcome satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 19 (3), 425-432.

Edalati, A., & Redzuan, M. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, 6 (4), 132-137.

Emery, R. E., & OLeary, K. D. (1982). Childra's perceptions of marital discord and behavior problems of boys and girls. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 10, 11-24.

Feeney, J., A. (2002). Attachment, marital interaction, and relationship satisfaction: A diary study. *Personal Relationships*, 9, 39-55.

Fenney, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment style as a predictor of adult romantic relationship. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 281-291.

Geist, R. L., & Gillbert, D. G. (1996). Correlation of expressed and emotion during marital conflict. *Journal of Personality Individual Difference*, 21, 49-60.

Ghobari Bonab, B., & Haddadi Koohsar, A. A. (2011). Relation between emotional intelligence and attachment styles in delinquent adolescents. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 30, 963 – 967.

Grych, J. H., Seid, M., & Fincham, F. D. (1992). Assessing marital conflict from the child's. Guildford press.

Haddadi Koohsar, A. A. (2011). Relation between emotional intelligence and quality of attachment in high school administrators. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 949 – 953.

Holley, P, (2006). The relationship between intelligence and divorce. *Personality and Individual Differences*, 45, 8, 738-743.



Johnson, D. R., White, L. K., & Booth, A. (1986). Dimensions of marital quality: Toward

methodological and conceptual refinement . *Journal of Family Issues*, 7, 31-49.

Karen, J., & Tamaren, M. A. (2010). *Factor of emotional intelligence associated with marital satisfaction*. New York: Cambridge University Press.

Kewcheung, S. (1996). Cognitive-behavioral therapy for marital conflict. *Journal of Family Psychology*, 20 (2), 256-265.

Kobak, R. R., & Hazan, C. (1991). Attachment in marriage: Effects of security and accuracy of working models. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 861-869.

Koochak Entezar, R., Nooraini, O., & Ghanbari Panah, A. (2011). Relation between emotional intelligence and forgiveness with marital satisfaction. *International Journal of Fundamental Psychology & Social Science*, 1, (2), 21-25.

Krejcie, R. V., Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.

Kristiina, M, C., Philip Hwang, F., Birgitta, G., & Wickberg, D. (2006). Romantic attachment, parenthood and marital. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 24, 3, 233-240.

Lavalekar, A., Kulkarni, P., & Jagtap, P. (2010). Emotional intelligence and marital satisfaction. *The Journal of Social Psychology*, 5, 2, 185-194.

Lemmens, G. M. D., Buysse, A. N., Heene, R., Eisler, I. V., & Demyttenaere, K. (2007). Marital satisfaction, conflict communication, attachment style and psychological distress in couples with a hospitalized depressed patient. *Acta Neuropsychiatrica*, 19, 2, 109-117.

Lopez, J. L., Riggs, S. A., Pollard, S. E., & Hook, J. N. (2011). Religious commitment, adult attachment, and marital adjustment in newly married couples. *Journal of Family Psychology*, 25(2), 301-309.

Lyusin, D. B. (2006). Emotional intelligence as a mixed construct. *Journal of Russian and East European Psychology*, 44 (6), 54-68.

Mayer, J. D., Caruso, D., & salovey, P. (2000). *Emotion intelligence*, Inr. J. Sternberg (Ed.) Handbook of intelligence, New York, Cambridge university press.

Mehrabian, A. (2005). *Manual for the Comprehensive Marital Satisfaction Scale (CMSS)*. Available on: <http://www.kon.org/urc/v8/cherry.html>.

Mosavi, S. E., & Iravani. M. R. (2011). A study on relationship between emotional maturity and marital satisfaction. *Management Science Letters*, 2, 1-6.

Najm, Q. J. (2005). *Attachment styles and emotional intelligence in marital among Pakistan men and women*. Retrieved from: <http://www.tennessee.State.on.social.support.and.mental.health.Sunway.university.collage>.

OLeary, K. D., & Porter, B. (1980). Marital discord and childhood behavior problems. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 8, 287-295.

Pines, M. A. (2005). *Falling in love (why we choose the loves we choose)*. New York and Hove: Rutledge.

Salovey, P., Mayer, J. D., Goldman, S. L., Turvey, C., & Palfai, T. (1995). *Emotional attention, clarity and repair: exploring emotional intelligence using the Trait Meta-Mood Scale*. In J. W. Pennebaker (Ed.), Washington, DC: American Psychological Association.

Simpson, J. (1990). Influence of attachment style on romantic relationship. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 971-980.

Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Phillips, D. (1996). Conflict in close relationships: An attachment perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 899-914.

Wong, C., & Law, K. S. (2002). The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study. *Leadership Quarterly*, 13 (3), 243-274.

Yong, M. E., & Long, L. L. (1998). *Counseling and therapy for couples*. New York.